

قدیمی‌ترین سردر تاریخی مسجد جمعه اصفهان

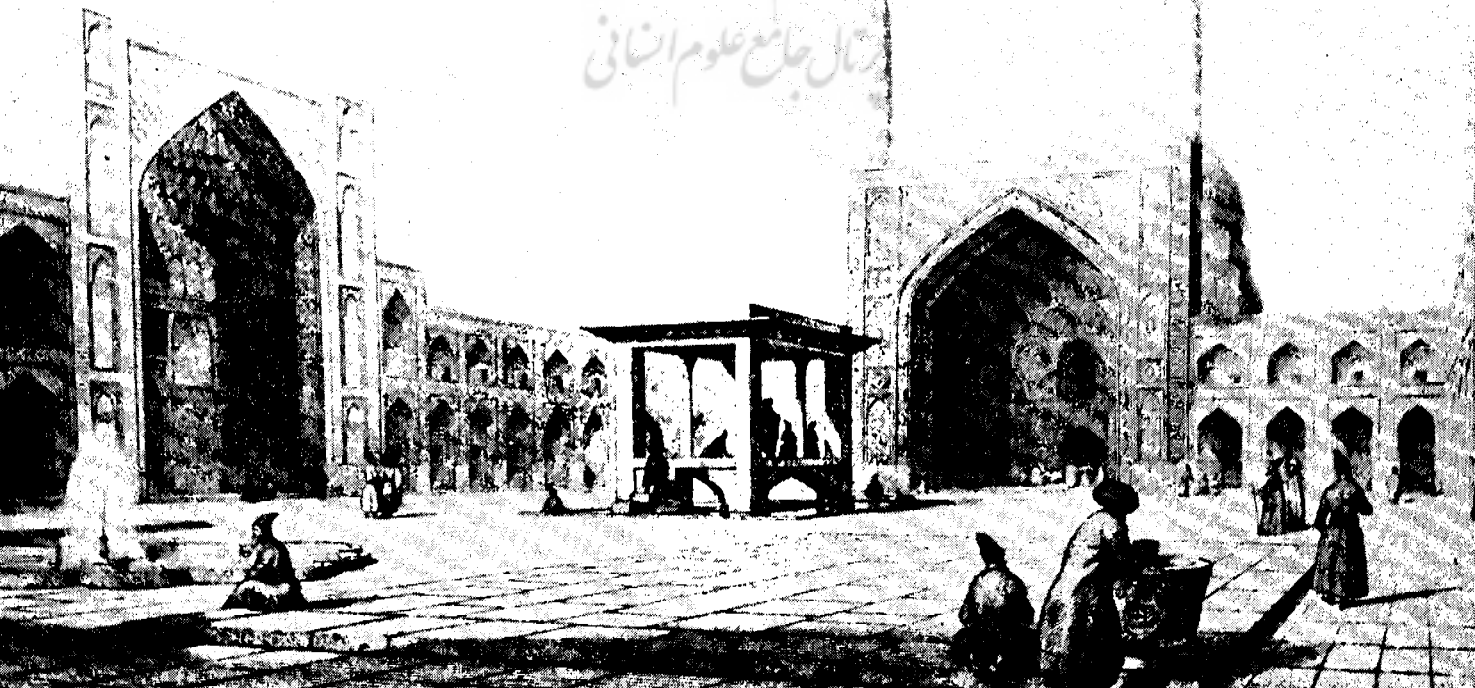
لطف‌الله هنر فر
دکتر در تاریخ

و دوره جانشینان تیمور و ترکمانان آق قویونلو و عهد صفویه و قاجاریه و عصر پهلوی از قسمتهای جالب این مسجد تاریخی است که منطقه وسیعی را بوسعت تقریبی ۲۲ هزار متر مربع فراگرفته و در حقیقت

بنائی در ایران محسوب میشود که تحولات معماری و تزیینات اسلامی ایران را طی چهارده قرن اخیر میتوان در آن مشاهده و مطالعه نمود. آثار اسلامی قرون اولیه هجری و اضافات و الحاقات بعدی از دوره‌های دیالمه و سلاجقه و عهد ایلخانان

مسجد جمعه یا مسجد جامع اصفهان در حقیقت مجموعه‌ای از صنایع معماری و هنرهای زیبای ایران بعد از اسلام تاریخ ایران است و یادگارهای سلسله‌های پادشاهان و حکام و مردان و زنان نیکوکار ایرانی بعد از اسلام را دربر دارد و تنها

ژوئیه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
انسان جامع علوم انسانی



نمودار هنر دوران اسلامی تاریخ ایران است.^۱

آثار سلجوقی مسجد جامع اصفهان :

بدون شك جالبترین آثار تاریخی موجود در مسجد جامع اصفهان آثار اصیل دوران سلجوقی میباشد که طی شصت سال سلطنت ملک شاه و جانشینان او در اصفهان که این شهر پایتخت آنها بوده بشرح زیر بوجود آمده است :

۱- سلطنت ملکشاه سلجوقی از ۴۶۵ تا ۴۸۵ هجری قمری بمدت بیست سال .

۲- سلطان برکیارق بن ملکشاه از ۴۸۵ تا ۴۹۸ هجری قمری بمدت سیزده سال .

۳- سلطان محمد بن ملکشاه از ۴۹۸ تا سال ۵۱۱ هجری قمری بمدت سیزده سال .

۴- سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه از سال ۵۱۱ تا ۵۲۵ هجری قمری بمدت چهارده سال .

آثار برجای مانده این دوران باشکوه تاریخی اصفهان عبارتست از :

۱- گنبد نظام‌الملک در جنوب مسجد جامع اصفهان که بوسیله خواجه نظام‌الملک طوسی صدر اعظم ملکشاه بنا شده و در کتیبه کوفی آن نام پادشاه وقت ابی‌الفتح ملکشاه بن محمود بن داود یمین خلیفه‌الله امیر المؤمنین^۲ و وزیر او خواجه بزرگ حسن بن علی بن اسحق طوسی و خزانه‌دار وقت ابی‌الفتح احمد بن محمد الخازن ذکر شده است .

۲- گنبد شمالی مسجد جامع بنام تاج‌الملک که در نزد مردم محل به گنبد خاکی شهرت و بدستور ملکه سلجوقی و زوجه مقتدر ملکشاه ترکان خاتون بوسیله تاج‌الملک ابوالغنائم مرزبان بن خسرو فیروز از وزرای مشهور سلجوقی و رقیب خواجه نظام‌الملک در سال ۴۸۱ هجری قمری بنا شده و از نظر جنبه معماری

و هنری زیباترین اثر معماری جهان‌عنوان گرفته است.^۳

۳- چهلستون‌ها و شستانه‌های شمال و جنوب مسجد که باطاقهای آجری متنوع هم‌اکنون وجود دارد و جلب توجه میکند.

۴- آثاری که در دو ضلع شرقی و غربی مسجد وجود داشته و شامل آموزشگاهها و صومعه‌ها و مضافها و کتابخانه و مانند اینها بوده و در حریق سال ۵۱۴ یا ۵۱۵ هجری دچار آتش‌سوزی شده و از میان رفته است و از سال ۵۱۵ هجری بعد بجای آنها آثار دیگری بنا شده و موضوع اصلی این مقاله است .

حریق مسجد جامع اصفهان در سلطنت سلطان محمود سلجوقی

سلطان محمود سلجوقی فرزند ملکشاه در ۲۴ ذیحجه سال ۵۱۱ هجری درگذشت و فرزندش محمود جانشین او شد، وی در ابتدا باعمویش سلطان سنجر داخل در جنگ شد ولی سپس صلح نمود و پادشاهی عراق و آذربایجان و بغداد و دیاربکر و فارس و اران و ارمن و گرجستان براو مسلم شد و مسترشد خلیفه عباسی او را سلطان مغیث‌الدین محمود یمین امیر- المؤمنین لقب داد . مدت سلطنت محمود ۱۴ سال طول کشید و او بیشتر این مدت را در اصفهان و گاهی در بغداد بسر میبرد، وی داماد سلطان سنجر بود و دختر آن پادشاه مشهور سلجوقی بنام ماه‌ملک یا مهملک خاتون^۴ زوجه او بود که در سن هفده سالگی درگذشت و سلطان سنجر از مرگ وی سخت اندوهگین شد و شعرای دربار وی در مرثیه فوت او شعرها گفتند ولی هیچیک از آن اشعار او را تسلی‌بخشید و سلطان از عمق بخاری که شاعری توانا از اهل بخارا و ملک‌الشعراي سلاله آل افراسیاب در سرزمین توران بود خواست تا در مرثیه دخترش اشعاری بسراید زیرا عمق از جهت مرثیه‌هایی که درباره‌خواتین توران گفته بود در آن روزگار شهرتی

بسیار داشت ولی چون بطلب وی رفتند او پیر و فرتوت شده بود و نقل و تحویل از آنجا متعذر مینمود لذا مرثیه‌ای گفته و مصحوب پسر خود حمیدی نزد سلطان سنجر به‌مر و فرستاد و این واقعه در فصل بهار بود و این دو بیت از آن مرثیه است :

هنگام آنکه گل دمد از صحن بوستان
رفت آن گل شکفته و در خاک شد نهان
هنگام آنکه شاخ شجر نم‌کشد ز ابر
بی آب ماند نرگس آن تازه بوستان^۵

مدت عمر سلطان محمود بن محمود سلجوقی ۲۷ سال بود و در یازدهم شوال سال ۵۲۵ هجری در شهر همدان وفات یافت و در اصفهان در جنب آرامگاه پدرش سلطان محمد بن ملکشاه مدفون شد.^۶

حریق سال ۵۱۵ هجری

در چهارمین سال سلطنت سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه فرقه اسماعیلیه

۱- ضمن حفاریهای اخیر در مسجد جامع اصفهان آثاری از دوره ساسانی نیز پدیدار شده که مورد بررسی و مطالعه است .

۲- مقصود المقتدی بالله خلیفه عباسی است که از سال ۶۷ تا ۴۸۷ بر مسند خلافت عباسیان تکیه زده است .

۳- پروفیسور آرتور ایهام پوپ Prof. Arthur Upham Pope مؤلف کتاب بررسی هنر ایران A survey of Persian Art شرح جامعی درباره این اثر تاریخی نگاشته و گنبد تاج‌الملک را بدینگونه توصیف میکند :

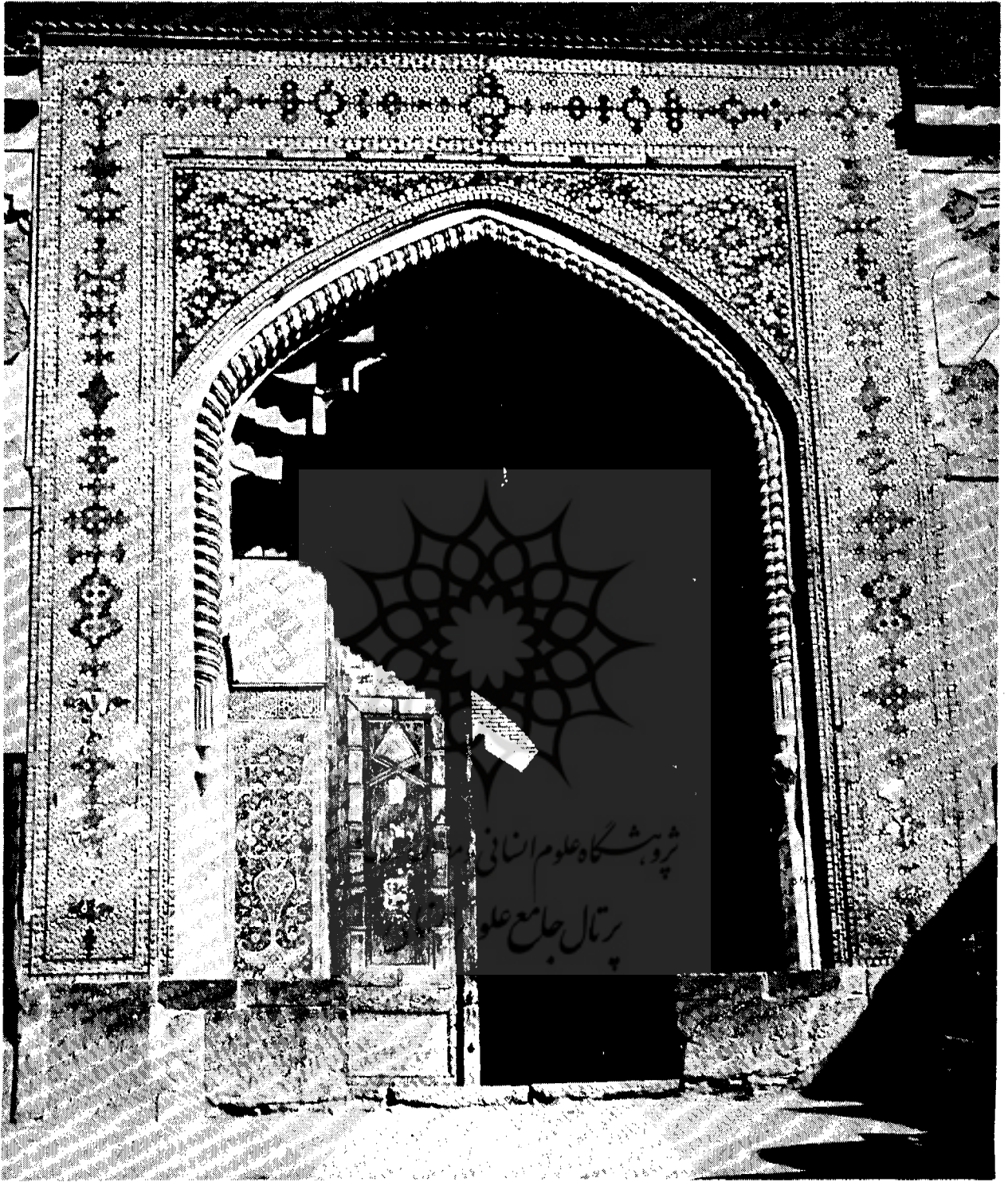
«این بنا با عظمت خاموش و جدی و اسرارآمیز یکی از زیباترین آثار معماری جهان است» .

۴- صاحب کتاب سلجوقنامه ، خواجه امام‌ظہیرالدین نیشابوری چاپ تهران صفحه ۵۳

۵- دیوان عمق بخاری ، مقابله و تصحیح استاد سعید نفیسی چاپ تهران صفحه ۱۴

۶- سلجوقنامه خواجه امام‌ظہیرالدین نیشابوری صفحه ۵۰ .

۷- مجمع‌التواریخ و القصص به تصحیح ملک‌الشعراء بهار صفحه ۴۶۵ .



مسجد جمعه و کتابخانه نفیس آنرا آتش زدند. ابن اثیر^۸ نوشته است که در سال ۵۱۵ یک هفته پیش از حریق یک قصر سلطنتی، جامع اصفهان که باشکوهترین جامع‌ها و زیباترین آنها بوده بسوخت و اضافه میکند که بنای مزبور بدست باطنیه آتش گرفت، بنابراین آنچه ابن اثیر میگوید اینطور بنظر میرسد که خرابیهای وارده قابل ملاحظه بوده است.^۹

آنچه که در حریق سال ۵۱۵ در مسجد جامع سوخته است توابع مسجد یعنی ابنیه‌ای مانند آموزشگاهها، صومعه‌ها، مضافها، مخزنها و کتابخانه‌ای بوده است که فهرست آن در سه جلد قطور تنظیم شده بوده است.

قسمتهای سوخته‌شده همانهایی بوده است که مافروخی^{۱۰} از آنها باصطلاح (اربع ادور) یعنی چهار دستگاه ساختمان یاد میکند. بناگفته مافروخی برای هر نماز کمتر از پنجاه نفر در آنجا گرد نمی‌آمد، پهلوی هر جزری شیخی قرار دارد و جماعتی از طلاب گرد او را گرفته بوظیفه درس یاریاضت نفسی اشتغال دارند، آراستگی این بنا بواسطه مناظره فقها و مباحثه علما و مجادله متکلمین و پندهای واعظین است، در آنجا صوفیان و علما و کسانی دیده میشوند که بحال عبادت در مسجد اقامت گرفته و با تسبیح و دعازندگانی را میگذرانند، روبروی مسجد کتابخانه‌ای با حشرات گوناگون و مخازنش واقع است، این کتابخانه بوسیله استادالرئیس ابوالعباس احمد الضبی ساخته شده و او کتب مربوط به همه‌گونه علوم را که بمروار ایام فضاء و ادباء سابق انتخاب کرده‌اند در آنجا جمع نموده است، کتابخانه مزبور دارای فهرستی در سه جلد بزرگ بوده مشتمل بر کتابهایی در تفسیر قرآن، حدیث، صرف و نحو و لغت، ادبیات، شعر، منطق، ریاضی و طبیعی و غیره^{۱۱}.

مافروخی نوشته است یکی از اصفهانیان معروف به ابومضر رومی بر دو

فیلوار معلق بر ممری که از مسجد جامع به اول بازار رنگرزان میرود يك طاق و دو منار بنا کرد و دری برای مسجد ساخت که هزار دینار خرج آن شده^{۱۲}.

منظره مسجد بعد از حریق باین ترتیب بوده است که در هر يك از دو انتهای شمالی و جنوبی فضای وسیع و بنای گنبد داری بر پا بوده است: گنبدهای نظام - الملك و تاج الملك و در دو ضلع شرقی و غربی جز آثار سوخته شده و ویرانه‌ای از خاک چیز دیگری وجود نداشته است. شیخ جابری انصاری در تاریخ اصفهان و ری ضمن وقایع سال ۵۱۴ هجری راجع به این حریق چنین نوشته است:

مسجد جامع اصفهان را یکی از ملاحظه آتش انداخته، کتابهایی در آنجا بسوخت. هفته بعد عمارات سلطنتی از شمع که در دست کنیز کی بود سوخته و جز یاقوتها، جواهر بسیاری در آتش آب شد^{۱۳}.

کتیبه کوفی قدیمی ترین سردر مسجد جامع از این حریق حکایت میکند

يك كتيبه كوفی که تزیینات خطی اطراف قدیمی ترین سردر مسجد جمعه اصفهان را در جانب شمال شرقی تشکیل میدهد و امروز نیز خوشبختانه وجود دارد از این حریق حکایت میکند.

کتیبه مزبور بخط کوفی با آجر برجسته شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحيم ومن الظلم ممن منع مساجد الله ان يذكر فيها اسمه وسعى في خرابها اولئك ما كان لهم ان يدخلوها الا خائفين لهم في الدنيا خزي ولهم في الآخرة عذاب عظيم اعادة هذه العمارة بعد الاحتراق في شهر سنة خمس عشرة وخمس مائة»^{۱۴}.

درعکس قدیمی سردر تاریخی مسجد جامع اصفهان که ضمن این مقاله آمده است قسمت آخر کتیبه بخوبی قرائت میشود و درعکس مرحوم میرسید علی

۸ - ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم شیبانی موصلی جزری ملقب به عزالدین و مکتبی به ابوالحسن، ادیب، محدث و مورخ مشهور از اجلای علمای شافیه فرزند اثیرالدین ابوالکرم در سال ۵۵۵ هجری در جزیره ابن عمر از مضافات موصل متولد شده و تا حد رشد در خدمت پدر و برادر خود در موصل اقامت داشته و از اکابر هرفن تحصیل علوم متنوعه نموده تا آنکه در حدیث و انساب و سیر و تواریخ و وقایع و حروب و ایام مشهوره عرب متبحر گردیده است. وی صاحب تألیفاتی است از آنجمله: تاریخ اتابکان موصل - تحفة العجایب و طرفة الفرائب - کامل التواریخ که وقایع مهم عالم را از اول خلقت تا سال ۶۲۸ هجری نوشته و به تاریخ کامل و تاریخ ابن اثیر نیز معروف است و در لندن و پاریس و مصر و قاهره بدفاعت چاپ شده است، وفات ابن اثیر در سال ۶۳۰ یا ۶۳۸ هجری اتفاق افتاده است (رجوع شود به جلد پنجم ریحانة الادب صفحه ۲۴۲).

۹ - آثار ایران از انتشارات اداره کل باستانشناسی (جلد اول - جزوه دوم، صفحه ۱۱۸).

۱۰ - مفضل بن سعد بن حسن مافروخی اصفهانی از نویسندگان اواخر قرن پنجم هجری است که درباره موطن و مولد خود اصفهان کتابی بنام محاسن اصفهان بزبان عربی برشته تحریر در آورده و این کتاب را به فخر الملك فرزند خواجه نظام الملك طوسی اهداء کرده است.

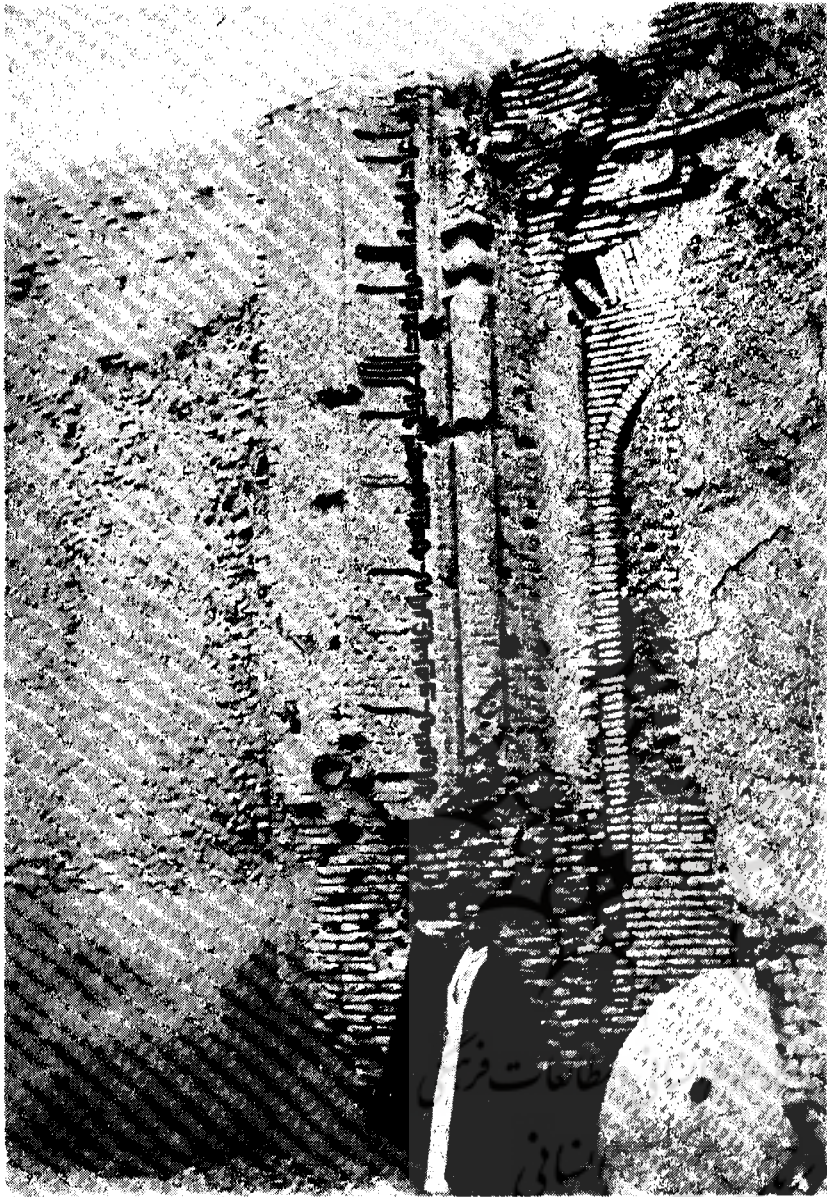
نسخه عربی این کتاب بوسیله دانشمند محترم آقای سید جلال‌الدین تهرانی در سال ۱۳۹۲ شمسی منتشر و ترجمه فارسی آن تحت عنوان (ترجمه محاسن اصفهان) بوسیله حسین بن محمد بن ابی‌الرضا علوی آوی در قرن هشتم هجری به رشته تحریر درآمده است. رساله ترجمه محاسن اصفهان در سال ۱۳۲۸ شمسی با اهتمام دانشمند فقید عباس اقبال منتشر شده است.

۱۱ - ترجمه فارسی آثار ایران از انتشارات اداره کل باستانشناسی (جلد اول جزوه دوم صفحه ۱۱۵).

۱۲ - ترجمه رساله محاسن اصفهان به اهتمام عباس اقبال چاپ تهران صفحه ۶۳.

۱۳ - تاریخ اصفهان و ری تألیف حاج شیخ میرزا حسن جابری انصاری صفحه ۱۱۵.

۱۴ - بعد از کلمه (سعی) قسمتی از این کتیبه تا جمله (عذاب عظیم) بمروار زمان از بین رفته است.



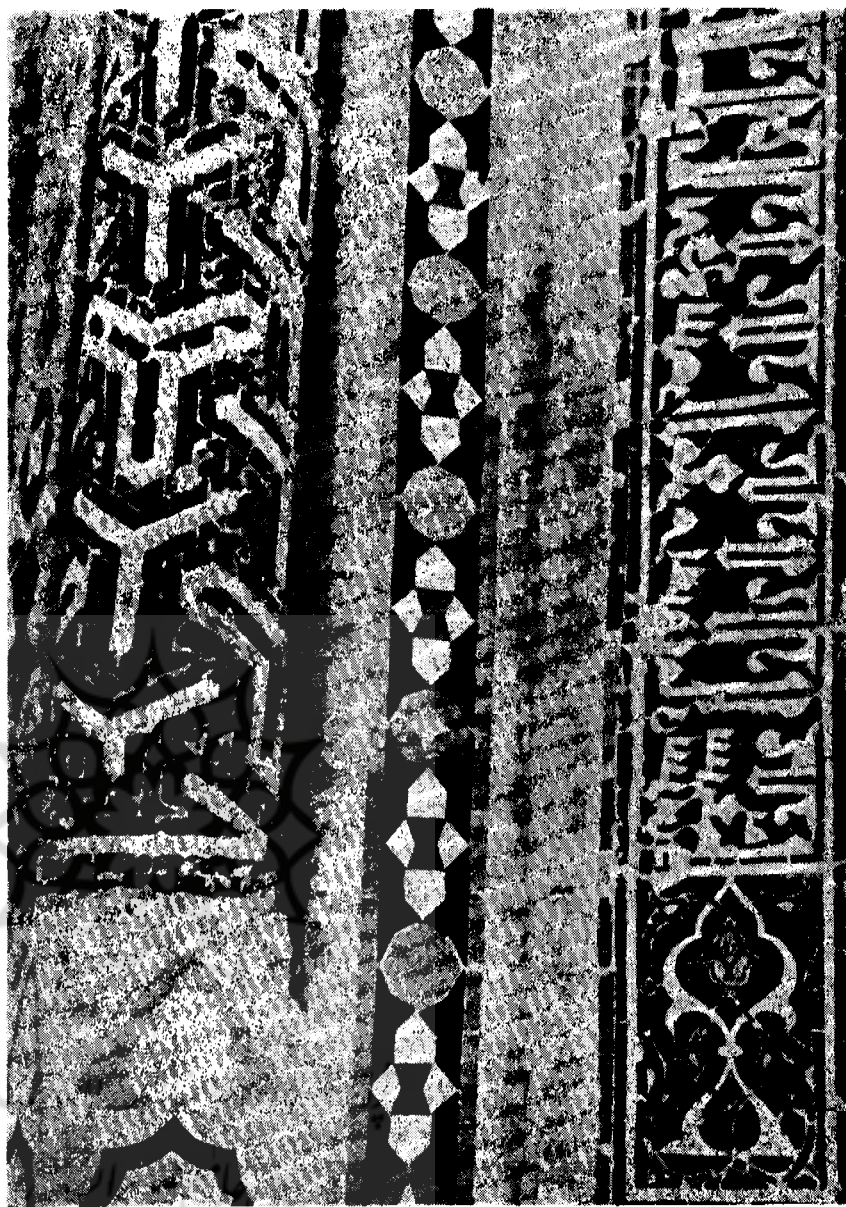
الاحتراق في شهور سنة خمس عشرة وخمس مائة در کتیبہ سردرب یکدستگاه از عمارات مسجد معروف به مسجد عمر عبدالعزیز عجلی هنوز باقی است^{۱۶}. مسجد عمر عبدالعزیز عجلی قسمتی از مسجد جامع اصفهان در ضلع شرقی این بنای عظیم تاریخی است که هم‌اکنون بنام «صفه عمر» شهرت دارد^{۱۷}.

۱۵ - حاج میرسیدعلی بن میرمحمد باقر بن میرمحمدحسن معروف به جناب در ۲۵

میزند که ابن اثیر نوشته در ذیل وقایع همین سال، زیباترین و بزرگترین مساجد را باطنیه آتش زدند.

در آن زمان مرکز امور سلطنت در ایران و بغداد و غیره اصفهان بود و سلطان محمود مالیات جدیدی بر معاملات بغداد جدیداً قرار داده بود و این حریق را از اثر شتامت آن مالیات تصور کرد و مالیات را موقوف ساخت و امر به اعاده عمارت مسجد داد. عبارت: امر باعادة هذه العمارة بعد

جناب^{۱۵} مؤلف تاریخ اصفهان که بنظر نگارنده نخستین دانشمند محقق اصفهانی است که این کتیبه را قرائت نموده مشاهده میشود، وی در رساله‌ای بنام «راهبر برای مسافری اصفهان» درباره حریق مسجد جمعه چنین نوشته است: «از جمله فهرست کتابخانه مسجد سه مجلد کتاب بزرگ شده بود از هر نوع کتابی تا اینکه در تاریخ پانصد و پانزده، زمان سلطان محمود، باطنیه، شب، یک چنین مسجدی را آتش



ذی‌الحجّة الحرام سال ۱۲۸۷ در اصفهان متولد شده و در شب جمعه ۳۰ شوال ۱۳۴۹ هجری قمری در تهران وفات یافته درصحن امامزاده عبدالله درحضرت عبدالعظیم (ع) مدفون گردید. وی از معارف رجال ادبی و ریاضی اصفهان است که در نزد علماء این سامان فقه و اصول و حکمت و طب بخصوص ریاضی را آموخته و درهیئت جدید و قدیم سرآمد معاصرین گردید. تمام عمر خودرا صرف تحصیل علوم و اشاعه آن و تنویر افکار از راه روزنامه و کتاب و تدریس فرمود. سالها رنج برد تا کتابی در تاریخ و جغرافی و رجال اصفهان تألیف نمود

بنام الاصفهان در ده مجلد که فقط جلد اول بطبع رسیده است. روزنامه الجناب نیزبوسیله دانشمند مزبور شماره اول آن در شهر شوال ۱۳۲۴ منتشر شده و ظاهراً ۹ شماره از آن بطبع رسیده است. «راهبر مسافر اصفهان» جزوه کوچک دیگری است در ۴۷ منحه وهمچنین ترجمه قسمتی از سفرنامه شاردن فرانسوی راجع باصفهان که بوسیله آن شادروان بطبع رسیده است.

(رجوع شود به کتاب تذکرتالقبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان تألیف دانشمند

محترم آقای سیدمصلح‌الدین مهدوی چاپ اصفهان ۲۴۰ و ۲۴۱).

۱۶ - مرحوم میر سیدعلی جناب عکس کتیبید این سردر را زیب روی جلد رساله خود: «راهبر برای مسافرین اصفهان» قرار داده است و مسلماً رساله مزبور اولین کتاب راهنمایی است که بوسیله‌مردی محقق ودانشمند و علاقمند به موطن و مولد خود برای شهر اصفهان ترتیب داده شده است.

۱۷ - رجوع شود به کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف نگارنده.